واسازی

در حاشیه آغاز به کار ساخت بانک مرکزی عراق توسط ژاها حدید

فولاد و دجله

علیرضا امیرحاجبی

■ نبایـد ناامیدانه به تحولات فرهنگی هنری منطقه خاورمیانه نگریسـت، این درسـت، اما می توان نکاتی را در زمینه الگوهای از پیش مشـخص و تدوین شده جهانی‌سـازی مطرح کرد تا براین اساس شمایی کلی و جزیـی از وضعیت این منطقه در حال پیشـرفت و همزمـان در حال پیشـرفت به دسـت‌آورد. از جمله این الگوهـا، معمـاری و ایده‌های معمارانه‌ای اسـت کـه در عرض کمتـر از دو دهه در خاورمیانه و منطقه خلیج‌فـارس تبدیل به واقعیت‌های متنـوع، مرتفع و گسترده‌ای شده است.

از شیخ‌نشـین‌های دوبی، ابوظبی گرفتـه تا دوحه، عمان کویت و سایر کشورهای منطقه، رشد همه‌جانبه ساخت‌وسازها با توسعه اقتصادی و همچنین مقوله امنیت اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی ارتباط مستقیم دارد. به عبارت دیگر صنعت هنر معماری مشـام تیزی دارد و بوی پول و امنیت را به سرعت حس می کند.

امـا وضعیـت عـراق پـس از سـقوط دیکتاتور صدام‌حسین با سایر کشورهای خاورمیانه تفاوت‌های زیادی دارد و شـاید همین تفاوت‌ها باعث آن شـود تا بسـیاری از طرح‌های بزرگ و کوچک عمرانی، شهری و معمارانه پروسـه طویلی را تا برش روبان‌های سـرخ افتتاحیه طی کنند.

عـراق به لحـاظ تاریخـی و به گفته بسـیاری از باستان‌شناسـان از جملـه گاهواره‌هـای اصلی تمدن بشـری بوده و مردمانش با معماری و هنرهای وابسته به آن آشـنایی کامل دارند و معماری بخشی از بافت فرهنگی این کشور است اما ناامنی و آشوب‌های پراکنده در بخش‌هـای مختلف عراق و بغداد پایتخت آن هنوز ادامه دارد. البته این ناامنی‌ها تا حدودی کاهش یافته اما بغداد هنوز صبح یک روز را بدون خبری از بی‌ثباتی آغاز نکرده است. در چنین موقعیتی خبر امضای توافقنامه همکاری بین بانک‌مرکزی عـراق و ژاها حدید معمار برجسته عراقی – بریتانیایی و اعلام قطعی آغاز پروژه جدید ساختمان مرکزی بانک عراق، کاملا شگفت‌آور بود و به سرعت به‌عنوان خبری دسته اول و داغ روی تلکـس خبرگزاری‌های جهان قرار گرفـت. ماه فوریه برای مدیرکل بانک‌مرکزی عراق دکتر سینان الشبیبی بسیار هیجان‌انگیز بود و در نهایت ششم همین ماه طی مراسمی در موزه ویکتوریا و آلبرت که به همت سفارت عراق در بریتانیا و لندن برگزار شده بود ژاها حدید پس

از دو سـال مطالعه و درنگ سـند موافقتنامه ساخت بنـای بانک‌مرکزی عراق را امضا کرد. این سـاختمان جدید قرار اسـت در ساحل رودخانه دجله که از میان بغداد می‌گذرد احداث شـود. حدید در این پروژه تنها نیست. گروهی از مهم‌ترین مشاوران معماری به او یاری خواهند رسـاند، از جمله آدام تیلور، ماکس فوردهام، دیویس لندون و همچنین وینتـون نایت انگل و A2 project الشـبیبی پس از پایان مراسم درحالی‌که در پوست خود نمی‌گنجید به خبرنگاران گفت: «ساختمان جدیـدی که خانم حدید طراحی کرده و احداث آن را برعهده گرفته‌اند نماد توسعه و نقش پراهمیت بانکداری در اقتصـاد عراق نویـن خواهد بود. نمـاد و بازتابی از دوباره‌سازی و احیای مجدد کشورمان.»

این مقام رسـمی عراقـی کاملا حق داشـت که خوشـحالی خود را اینچنیـن ابراز کند. بسـیاری از کشـورهای توسـعه‌یافته جهان آرزوی این را دارند تا اثری از ژاها حدید در شهرهایشان خودنمایی کند. آثار ژاها حدید نماد و نشانه پیشرفت فنی و هنری محسوب می‌شود. از جمله آثار اخیر حدید ایراخانه بزرگ گانگزو در چین اسـت. بنای کاملا بی‌همتـا و بی‌نظیر که با فرهنگ معاصر چین تلفیق شده اسـت. در ابتدا قرار بر این بود که ساخت این بنای عظیم توسعه معماران چینی آغاز شود و به پایان رسد اما گویا رای و نظر دولت پکن تغییر کرد و معطوف به ژاها حدید شـد. جایگاه حدید در جهان معماری کاملا ویژه و دسـت‌نیافتنی است. بسـیاری از آثار وی در حوزه هنرهای مفهومی است و در کارنامه درخشانش پروژه‌های زیست‌محیطی فراوانی دیده می‌شود. یک متفکر به تمام معنا که ابزار بیانی‌اش از حوزه معماری آغاز شده و تا چیدمان‌های مفهومی و طراحی مبلمان شـهری گسـترش یافته اسـت. مجله معتبر فوربس وی را در سـال ۲۰۰۸ در فهرسـت صد زن قدرتمند جهان قرار داد و در ۲۰۱۰ مجلـه تایم، وی را به‌عنوان یکی از تاثیرگذارترین زنان جهان معرفی کرده بود. حدید از ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۹ بیش از ۱۴ نمایشگاه عکاسی، مفهومی و معماری در سراسر جهان برپا کرده است. از جمله در موزه‌های MOMA و گوگن‌هایم نیویورک.

ساخت موزه ملی هنرهای مدرن رم، پاویون‌های شـرکت طراحی لباس شـانل در سراسر جهان از جمله آثار حدید هسـتند. حال باید دید وضعیت اجتماعی، اقتصادی و امنیتی عـراق به وی اجازه اجرای پروژه سـاختمان بانک‌مرکزی را خواهد داد یا نه؟ آیا تروریست‌ها صرفا به تماشای ساخت این پروژه خواهند نشست؟

مهندس ایرج کلانتری، معمار و عضو هیات امنای انجمن مفاخر معماری ایران:

می‌خواهم یک ساختمان اسرارآمیز بسازم

نفیسه حاجاتی

عکس: مهدی تمیزی

مهنـدس ایـرج کلانتـری، معمـار برگزیده سـال ۱۳۸۴، فارغ‌التحصیل کارشناسـی ارشد معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و موسس و رییس هیات‌مدیره شرکت مهندسان مشاور باوند است. مدیریت و طراحی پروژه فرودگاه بین‌المللی امـام خمینـی (ره)، دانشـگاه بین‌المللـی قزوین امام خمینـی (ره)، سـفارت ایران در گرجسـتان، اقامتگاه سـفیر ایران در ایروان، مجموعه چایکنار تبریـز، مجموعه‌هـای اداری و مسـکونی متعدد از جمله فعالیت‌های اوسـت. کلانتری مسوولیت‌ها و سمت‌های مختلفی داشته که از عضویت در شورای تخصصی شـهرداری تهران، عضویت هیات امنای انجمن مفاخـر معماری ایران گرفته تـا تدریس در دانشـگاه‌های تهران، علم و صنعـت و عضویت در شـورای عالی خانه هنرمندان ایران متفاوت است. در کارنامه حرفه‌ای ایـن معمار، همچنین رتبه اول پروژه‌های مختلف مانند سـاختمان شـرکت نفت ایـران و تالیفـات مختلفـی مانند: «بررسـی علل حاشیه‌نشـینی در ۱۷ شـهر با جمعیت بیش از صد هزار نفر» و «تنظیم اصلاحیه قانون نوسازی و عمران شـهری» هم دیده می‌شـود. به دفتر کار مهندس ایـرج کلانتری رفتیم تا به بهانه حضورش در هیات داوران «مسـابقه طراحی نمای برج‌های هزاره سوم» با او درباره موضوعات مختلفی صحبت کنیم. چیزی که در بدو ورود به دفتر کار او نظر هر بیننده هنردوستی را جلب می‌کند، اثری روی دیوار پشت میز اوست. تابلویی با نام «علی‌آباد» از آثار برادر او، پرویز کلانتـری و البته هرکس خانه و آتلیه هنرمند نقاش برجسـته، پرویز کلانتری را هم دیده باشد، حتما حاصل هنر برادرش، ایرج کلانتری را تحسـین می‌کند. گفت‌وگوی مـا را با مهندس ایرج کلانتری در ادامه می‌خوانید.

■■■

برای شروع گفت‌وگویمان، دوست دارم بدانم از نظر شما یـک طرح مطلوب برای نمای یک بنا مثلا برج میلنیوم، چه خصوصیاتی باید داشته باشد؟

من معماری یا خدمات مهندسی مشاور برای خلق یک اثر معماری را یک پکیج می‌دانم. این پکیج شـامل یک مجموعه ملاحظات و یک کار مولتی دیسیپلین است. باید بدانید که در کجای شـهر، با چه همجواری‌هایی و با چه ویژگی‌هایی از نظر مورفولوژی زمین، دارید کار می‌کنید. بنابراین تسـلط یا تلقی جامع داشـتن از همه این عوامل، یکـی از ضرورت‌های حرفه معماری اسـت. اما حالا در جامعه ما اتفاقاتـی رخ داده که این جریـان به هم خورده. یعنی مثلا مـا در اتفاقات مهمی که در جامعه می‌افتد آن تسلط و هدایت و رهبری را در کار معمار، بنگاه مهندسی یا شخصیت حقوقی که وظیفه‌اش خدمات معماری اسـت، نمی‌بینیم. حالا این‌گونه شده که وظیفه خرد شده و بر عهده عوامل دیگر سـپرده می‌شود. یعنی کارفرماها برای ایجاد یا سـاختن یک پروژه معماری نمی‌داننـد که باید به مهندس محاسب مراجعه کنند یا اول باید یک معمار برایشان یک پکیج تدارک ببیند. در مملکت ما، این طوری اسـت که مثلا موسسه باونـد، در قبال برخـی از قراردادها عهـده‌دار برنامه‌ریزی یک مجموعه می‌شود. برنامه‌ریزی مجموعه و حتی طراحی شهری آن را انجـام می‌دهد ولی تـداوم خدماتش قطع و اجزای پروژه به افراد مختلف سـپرده می‌شود. این کار به ضرورت انسجامی که این مجموعه باید از ابتدا در طراحی داشـته باشد، خسارت زیادی می‌زند. حالا در پروژه این برج‌ها، قضیه به حدی رسیده که سازه را ساخته‌اند، کاربری‌اش را تعیین کرده‌اند، معمار آمده تقسـیم فضایی بر حسـب برنامه مورد نظر را انجام داده و بعد نما را هم از طریق مسـابقه انتخاب می‌کنند. در هیچ جای دنیا چنیـن اتفاقی نمی‌افتد. ولی از یک طرف من فکر می‌کنم این یک واقعیت اسـت که در جامعه کنونی ما، در شهر تهران، یک ساختمان عظیم ساخته شده، مقدار زیادی سرمایه‌گذاری شده و ارزش و اهمیتی پیدا کرده، بنابراین می‌توانیم از طریق رقابت، ایده‌ها و گزینه‌هایـی را برای انتخاب بهترین گزینه برای اتمام این پروژه پیدا کنیم. خوشـبختانه در هیات داوران هم این اتفاق نظر را داریم که علاوه بر اینکـه گزینه‌های بهینه را انتخـاب می‌کنیم، توصیه‌هـای لازم را هـم حتی‌المقدور به مقـام کارفرمایی به نحـوی خواهیم داد که انسـجام از دست‌رفته برای این بنا برگردد. در مورد نمای مطلوب نظر شخصی‌ام این است که تعیین تکلیف نما، بـه توانایی‌های تکنولوژیک ما مرتبط است و در انتخاب مصالح یا نوع عناصری کـه می‌خواهیم در نما بگذاریم، باید بضاعت انجامش را در نظر بگیریم تا کار به درسـتی انجام شود البته مسایل تکنیکی هم هسـت. ولی فراتر از این متغیرها ، مطلب مهم این اسـت که به نظر من نما باید ماهیت این سـاختمان را منعکس کند. نما باید ترنسپرنسی داشته باشد که بیننده بتواند سازه را از پس آن ببیند، اما اگر قرار باشد نما، چادر یا حجابی باشد که این ماهیت را پنهان کند، به نظر من ممکن است درست نباشد.

در حـال حاضر در کشـور قوانینی بـرای طراحی نمای ساختمان‌ها وجود دارد؟ اصلا نظر شما در مورد داشتن چنین قوانین و مقرراتی چیست؟

بـا این قضیه به صورت جدی مخالفم به دلیل اینکه به عنوان کسی که عضو جامعه صنفی و حرفه‌ای معماری هستم، فکر می‌کنم خدمات کار حرفه‌ای به صورت همان پکیج بسـته است. نمی‌توان این را به اجزایی تقسـیم کرد که هر جزیی از آن را کسـی انجام دهد. معتقدم در حال حاضر رویه‌هایی متداول شده که اصلا کسی به قبح‌شان فکر نمی‌کند. حتی به نظر من جامعه‌ای که عهده‌دار نقد معماری، نشر آثار معماری و به نوعی مسوول ادبیات معماری هستند، خودشان برگزارکننده این مسابقات می‌شوند. حتی برای برگزاری چنین مسابقه‌ای مثلا تولیدکننده سنگ، پول می‌دهد و قید سنگ را هم برای طراحی نما می‌آورند. در حالی که من معمار، از اول بـه موضوعی که به من داده شـده، فکر می‌کنم و مجموعه گزینه‌ها و انتخاب‌ها را در نظر می‌گیرم. ممکن است برای ورودم به یک کار، دلم بخواهد مصالح ظریف به کار ببرم و کار هایتک بکنم. دلم بخواهد جایی از مصالح خشـن یا از اختلاف سایه و روشن در شرایط اقلیمی استفاده کنم. دلم بخواهد نما اسرارآمیز باشد یا... همه اینها یعنی ایده در ذهن معمار یکپارچگی و انسجام دارد.

این یعنی شما با برگزاری چنین مسابقاتی و استفاده از ایده‌های مختلف برای نمای یک ساختمان مخالف هستید؟

نه. این یک پارادوکس اسـت. من حتی در تکوین یک ایده با وجود اصراری که در منسـجم بودن ایده دارم، ممکن اسـت برای گزینش موضوعی با مجموعه کارشناسـان دفتر مشورت کنم یا ممکن اسـت در ترکیب حجمـی مثلا از طریق رقابتی داخل شرکت خودمان، به سه، چهار نفر آدم توانا که می‌شناسم، بگویم شـما در مورد این مسـاله با یک طراحی آگزانومتریک، ترکیـب حجمی خودتـان را بگویید یا مثلا در مـوارد دیگر از طریـق یک حالت رقابتی بخشـی از کار را انتخاب کنم. اصولا مهندسان مشاوری که پروژه‌ها را طراحی می‌کنند، در چارچوب قراردادشان علاوه بر کارشناسان، خودشان گزینه‌های مرتبط به چیزی را بین چند نفر دیگر مسابقه گذاشته‌اند. یعنی می‌گویند ما از حق‌الزحمه‌هایمان به کسانی که طرح مطلوب بدهند، جایزه می‌دهیم. انتخاب خوب در گرو این است که از میان گزینه‌های مطلوب بتوانید بهترین را انتخاب کنید و برای به دست آوردن تعداد گزینه‌های مطلوب هم می‌شود نظرات متنوع را جمع کرد. این سـاختمان به هر حال، یک نما می‌خواهد تا تمام شود این هم یک نوع مسابقه است برای اینکه بتوانیم از میان گزینه‌های رسیده، بهترین را انتخاب کنیم.

در مورد پروژه‌های شـهری از نظر شما معماری مناسب برای یک شـهر چگونه است؟ بعضی‌ها معتقدند شهر یعنی مثـلا نیویورک یا لنـدن؛ در حالی که بعضی‌ها هم معتقدند اگر می‌خواهی مثلا شهر بیرجند را بسازی، دلیلی ندارد که شبیه نیویورک بشود تا بگوییم شهر خوبی شده، بلکه باید با ساختارهای بیرجند یک شهر بسازی. نظر شما چیست؟

قطعا من و شـما این تفاهـم را داریم که برای کار معماری یا پروژه‌های شـهری یک تقاضایی وجود دارد. من به آن تقاضا باید جواب دهم.

منظورتان از تقاضا چیست؟

یعنی یک برنامه داشته باشیم که نیازهای این جامعه شهری را تا ۱۰ سال دیگر بتوانیم جواب بدهیم و در عین حال ملاحظات جغرافیایـی و فرهنگی و عادات بومـی آن جامعه را هم بدانیم چیسـت. این تقاضاست. اما اینکه من چطوری پیش‌فرض‌های انتظار شـما را از وجه بصری اقناع می‌کنم یا نه، معلوم نیست. من حتی‌المقدور سعی می‌کنم نظرات خودم را به شمای کارفرما تحمیل کنم. اما این بدیهی است که من وظیفه خودم می‌دانم متناسب با بیرجند کار کنم. این تناسب را من تشـخیص می‌دهم. این تناسب حق تالیف من اسـت و شـما به عنوان صاحب کار نمی‌توانید به من تحمیلش کنید. ما تا حالا با شعار ارزش‌های اسلام در جامعه‌مان کلی پروژه ساخته‌ایم که بدترین نوع نمونه‌های معماری سـنتی ماسـت. یک مسـجد قشـنگ ایرانی نتوانستیم بسازیم چون پیش‌فرض‌های سفارش دهنده، یک کلیشه‌های ایدئولوژیکی شده که همه چیز را خراب می‌کنند. چرا فکر می‌کنید حق کارفرما این است که بگوید از پیش چه ترجیح بصری دارم که معمار باید برای من این کار را بکند؟! کارفرما می‌تواند انتظار داشـته باشد و کارم را نقد کند ولی نمی‌تواند نظرش را به من تحمیل کند. در جوامعی که معماری سر و سامان درست گرفته یک بخشی معلول صاحب کارها و سفارش دهنده‌های فهمیده است و بخشی بازخوردهایی که جامعه راجع به اتفاق معماری نشـان می‌دهند و بخشی هم راجع به امکانات و شرایطی که حرفه‌ای‌ها می‌توانند توسعه پیدا کنند. ما در جامعه‌مان ادبیات نقد نداریم. ادبیات نقد در دست سرمایه‌دار است. یعنی سفارش‌دهنده است که خودش را واجد این صلاحیت می‌داند که بگوید این کار تو (معمار) را می‌پسندم و آن را نه. سیستم دانشگاهی‌مان هم ارتباط منطقی و منسجمی با جامعه حرفه‌ای ندارد. دانشگاهی‌ها حرف خودشان را می‌زنند و حرفه‌ای‌ها کار خودشـان را می‌کنند. اگر می‌توانسـتیم کار حرفه‌ای‌ها را ببریم و در فضای دانشگاهی به عنوان تجربه نشان بدهیم تا نظام دانشـگاهی آکادمیک اینها را به نقد می‌کشید، آرام‌آرام مکانیزم‌ها و ابزار نقد سـاخته می‌شـد. البته در حوزه هنرهای تجسمی و ادبیات تقریبا این را داریم. ولی متاسفانه در معماری ما این اتفاق نیفتاده. الان با قانون نظام مهندسی ما که به معمار، نقشه‌بردار، شهرساز، برق و تاسیسات و همه یکسان نگاه کرد و سهمیه‌شان را پخش کرد، کار خراب شد.

این اتفاق فقط در ایران افتاده؟

بله، هیچ جای دیگری در دنیا این طور نیسـت. ما در نظام مهندسی ساختمان دور اول، با سرآمدهای سازه مملکت به این تفاهم رسیدیم که تفاوتی بین نقش معمار و سازه و تاسیسات از وجـه اعتباری‌اش وجود دارد و به دکتر قالیباف و آقای معین‌فر گفتیم: ما تکلیف خودمان می‌دانیم که احکام مهندسی و منطقی شما را با احکام مهندسی تاسیسات و برق و با نیازهای کارفرما تطبیق بدهیم. به عبارتی معمار نقش هماهنگ‌کننده را داشته باشـد. اما شما الان در تمام ساختمان‌هایی که در شهر تهران ساخته می‌شـود، می‌بینید تابلو زده‌اند و اسم کارفرما، موضوع، مهندس محاسب و بعد ناظر معمار را هم که معلوم است برگه را خریده، نوشته شده. اما در ساختمان‌ها و اتفاقات معماری که در جاهای دیگر دنیا می‌بینید، یک تابلو هست که روی آن، موضوع کارگاه، سفارش‌دهنده و شخصیت حقوقی که مجموعه عوامل مهندسی را درون خودش دارد، نوشته شده است.

از سه دوره صفویه، قاجاریه و پهلوی شخص شما کدام معماری را می‌پسندید؟

من معمـاری خوب را در هر دوره‌ای می‌پسـندم. مثلا من مقبره شاه نعمت‌الله ولی را یکی از شاهکارهای معماری می‌دانم. چون معماری سه دوره متفاوت است که به تدریج در کنار هم قـرار گرفته‌اند و یک قوم و خویشـی درجه یک دارند. با هم پیوند دارند چون هر کدامشـان این حق را برای خودشان قایل بوده‌اند که ابداع داشته باشـند و قبلی را هم از بین نبرند. قرار نیست به گذشـته به عنوان یک الگو نگاه کنیم و عین آن را تکرار کنیم.

برخی از همکاران شـما می‌گوینـد کالبد بنا برایمان مهم‌تر است تا لباسی که بر تنش می‌کنیم. شما مساله نما و کالبد بنا را چطور می‌بینید؟

من لباس تـن بنا نمی‌کنم. از ابتـدای کارم دربـاره ایده فکر می‌کنم. به تدریج تبلور ترکیبی را که دارم می‌سازم در وجه ظاهری هم می‌بینم. اما اگر بخواهم ترجیح شخصی‌ام را بگویم، در مورد معماری شرقی یا سنتی‌مان چیزی که خیلی من را تحت تاثیر قرار داده، وجه اسـرارآمیزش است. یعنی تفاوت بارز معماری شـرق با معماری غرب این است که معماری غرب ترنسپرنسی دارد و همه چیز معلوم است. اما در معماری شرق نمی‌توانی حدس بزنی که مثلا پشت این دیوار چه می‌گذرد.

منظورتان از شرق دقیقا کدام ناحیه است؟

ایران را می‌گویم. اگر دنیا را به شـرق و غرب تقسـیم کنیم، پیچیدگی و اسرارآمیز بودن است که معماری شـرق را جـذاب کرده. چون سـوال‌های زیادی در ذهن مخاطبش به وجود می‌آورد. من همیشـه دلم می‌خواسته سـاختمانی بسازم که وقتی یک نفر از بیرون وارد می‌شود، دچار شوک بشود و چیزی را کشف کند که تحت تاثیر قرارش بدهد. نتواند از قبل حدس بزند. مثل قصه‌های مادربزرگم که دوسـت داشتم. قصه‌های مادربزرگم هم همیشه این اسرارآمیزی را داشتند و من چشـم‌هایم را باز نگه می‌داشـتم تا مثلا بفهمم چه بلایی سر امیرارسـلان می‌آید. در ادبیات هم این طور است. اصلا یکی از مکاتب مهم زیبایی‌شناسی اکسپرسیونیست‌ها هستند که به حالت خیلی اهمیت می‌دهند. معتقدند هر کار زیبایی باید واجد این قدرت تحت تاثیر قرار دادن باشـد. البته دوست ندارم از این موضوع تعبیر افراطی شـود. من با وسوسه‌های یک معمار که در یک سفارش می‌خواهد همه کارهایی که بلد است را انجام بدهد تا همه را تحت تاثیر قرار دهد، به شدت مخالفم. این افتضاح‌ترین نوع کار است. این یک حد و مرز دارد که اشراقی است و با دلیل و منطق نمی‌توانید یاد بگیرید. همیشـه این مثـال را زده‌ام که در آشـپزی هم یک اسـتیک خوب نه باید خیلی پخته باشد نه خیلی خام. آن جایی که استیک برود زیر دندانت و خوشت بیاید، می‌فهمی که سرآشپز ماهر بوده. به نظرم معماری هم همین است.

نکته

چرا فکر می‌کنید حق کارفرما این است که بگوید از پیش چه ترجیح بصری دارم که معمار باید برای من این کار را بکند؟! کارفرما می‌تواند انتظار داشته باشد و کارم را نقد کند ولی نمی‌تواند نظرش را به من تحمیل کند

ادامه از صفحه ۹

نقاشی انتزاعی هیچ‌وقت از مد نمی‌افتد

نقاشـی انتزاعـی در دنیـای امروز و در کشـور خودمـان چـه جایگاهـی دارد؟ بـا توجه بـه اینکه سال‌های سال از اوج این شیوه گذشته است.

نقاشی انتزاعی از جمله سبک‌هایی است که هیچ‌وقت کهنه نشده و به نظر من از ازل و از دوران غارنشینی وجود داشته و وجود خواهد داشت. چون حس نقاش را راحت‌تر به بیننده منتقل می‌کند و چون دنبال موضوع و مفهوم و... نیست به نظر من بیننده راحت‌تر با آن ارتباط می‌گیرد و همیشه این ارتباط خواهد ماند. بنابراین جزو نقاشی‌هایی اسـت که همیشـه زنده خواهد ماند. در ایران که هنوز مشـتاقان خودش را دارد و به نظرم بیشتر هم می‌شود. نقاشی انتزاعی از آن دست نقاشی‌هایی است که هیچ‌وقت مد روز نبوده مثل برخی سبک‌ها که یک مرتبه می‌آیند و بعد هم از بین می‌رود...

اتفاقـا بعـد از دوران طلایی اکسپرسیونیسـم انتزاعی و حضور نقاشـانی مثل جکسـون پولاک و غیره و سال‌های بعد از آن به شکل بسیار مشخصی این شیوه نقاشی دنبال و شاید مد شد...

شاید بشـود گفت یک دوره‌ای اوج گرفت ولی مدی بود که دمده نشـد. مثلا پاپ آرت دوره اوجی داشـت و بعد به فراموشی سپرده شد یا نقاشی کوبیسم همین‌طور. ولی نقاشی انتزاعی دوره بسیار طولانی داشته و همیشه بوده و خواهد بود.

در زمینه آموزش هنر چند سـالی اسـت که به جبران خلأ آموزش درست و به روز در دانشکده‌های هنری، فعالیت آموزشگاه‌های خصوصی بیشتر شده. شما فعالیت این آموزشگاه‌ها را چطور می‌بینید؟ آیا می‌توانند جای خالی آموزش رسمی را پر کنند؟

به هر حال تاثیر این آموزشـگاه‌ها صددرصد مثبت بوده است. از بعد از سال ۵۷ تعداد آموزشگاه‌های هنری بسیار زیاد شده است و بالاخره این آموزشگاه‌ها به قشر جوانی که وارد این عرصه می‌شوند، کمک می‌کنند. البته همه کسانی که وارد این فضا می‌شوند لزوما به صورت جدی وارد عرصه هنر نمی‌شوند و گاهی برایشان جنبه پر کردن اوقات فراغت پیـدا می‌کند. با همه اینها این آموزشگاه‌ها با همه تاثیرشان نمی‌توانند جایگزین فضای رسمی دانشگاه شوند. عده‌ای این ادعا را دارند اما درست نیست. آموزش رسمی معنای بسیار گسترده‌تری دارد و به نظر من باید دانشگاه‌ها با باز کردن فضای آموزشی، کار خودشان را انجام دهند. کسانی که وارد دانشکده‌های هنری می‌شوند با هدف والاتری وارد می‌شوند نه اینکه در هفته دو ساعت به کلاس بروند. آموزش باید پیوسته و سیستماتیک باشد تا اثرگذار شود.

جدول ۱۴۵۰

افقی:

۱- بدرود گفتن- آهنگسـاز آلمانی از جملـه کارهایش لیدر رکویم اسـت ۲- سـلاخ شتر- کشوری در قاره سیاه- زمان ۳- آدم آهنی- تاخیر- زبانه آتش ۴- درخت زبان گنجشک- مایعـات را به وسـیله آن در ظرف‌هـای دهان تنگ می‌ریزند- دوستی- خوی و عادت زشت ۵- دین رایج در کشور ژاپن منشعب از ادیان بودایی- بازگشت ۶- سلطان- چروک پوست- خدمتکار پیر ۷- خداحافظی بیگانه- شخص بی‌غیرت و مفت خور- شخصی که به تجزیه امپراطـوری عثمانی کمک کرد ۸- ثروتمند- دارای شکل- بلند ۹- ستوران- ده هزار متر مربع- آنکه از نسل علی و فاطمه است ۱۰- ستاره- قسمتی از پا- داروی بیهوشی ۱۱- آرزو- مصرف کردن ۱۲- ترجمه می‌کند- حرف تعجب- تله ماهی‌گیر- سـفید آذری ۱۳- فرا تر- دسـته- هنر نمایشی ۱۴- درختی است بلند با چوبی سیاه رنگ- غیرقابل دیدن- ظرفی برای پذیرایی ۱۵- رویارویی- آزمایشگاه فضایی

عمودی:

۱- عامـل بیماری- کوسـه جنوبی- وقـت وهنگام ۲- نوعـی ناهنجاری کوروموزومی- ابزار آراسـتن موها- استراحت مسافر وسـط راه ۳- حیوان نجیب- خبرهای نادرسـت- لقبی در هندوسـتان ۴- سـدی در اسـتان مرکزی- واسـطه ۵- انجیر- دارویی روی زخم- برج کج فرانسـه ۶- از خدایان باستان- پنبه تابیده چراغ خوراک پزی- مادر عرب- وقت، زمان ۷- نشانه آسیب یا بیماری- از اسباب نانوایی- معضل اقتصادی ۸- قدرت و توان- دفتر شاخص- قلعه و حصار ۹- آسمان غرنبه- جسور و بی‌پروا- نمایشـنامه ۱۰- اندام گیاهی- پدر بزرگ- سـنگ زینتی- طلیعه اعـداد ۱۱- راه میانبر- جمع نعل- عریان ۱۲- توانمندی- گلی به شکل خوشه ۱۳- از اعیاد هندی‌ها که در اوایل فصل بهار اسـت- زینت کردن- طایفه ۱۴- هدف‌ها- بوق. شیپور- آتشفشان ایتالیا ۱۵- مدح شده- خوشبخت تر- نزدیک کردن

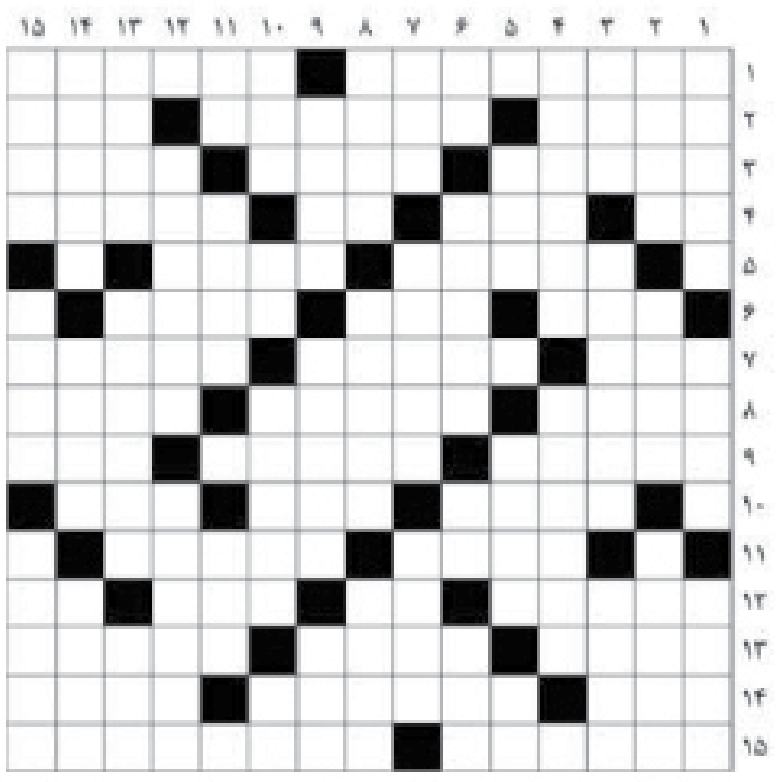

حل جدول ۱۴۴۹

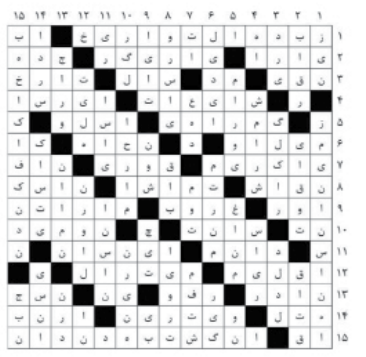

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۴۵۳

		۹	۴			۶		۲
			۳			۱	۸	۴
	۴	۵		۲	۸		۳	۹
		۴			۱	۲		۷
۷	۱				۲	۵		
۶	۹					۳	۱	۸
۵		۳			۶			
۹					۳		۲	۵
		۷		۸		۹	۶	۳

حل سودوکو ۴۵۲

۳	۴	۶	۸	۵	۷	۱	۹	۲
۷	۲	۸	۳	۱	۹	۴	۶	۵
۱	۹	۵	۴	۶	۲	۸	۳	۷
۵	۸	۳	۶	۷	۱	۲	۴	۹
۹	۶	۷	۲	۴	۸	۳	۵	۱
۴	۱	۲	۵	۹	۳	۶	۷	۸
۸	۵	۴	۹	۲	۶	۷	۱	۳
۶	۳	۱	۷	۸	۵	۹	۲	۴
۲	۷	۹	۱	۳	۴	۵	۸	۶

سودوکو سخت ۱۰۱

۴		۲						۷
		۷	۴		۳	۱		
۸			۷	۶		۲		
	۶	۴	۱					
۲	۸		۹					
۱				۸		۵	۳	
		۳	۶					۹
	۱	۶		۹		۸		
۹								۵

حل سودوکو سخت